

# اصلاح تدریجی است



دکتر حمید پورمحمدی  
قائم مقام بانک مرکزی

بانکداری پولی، ثبات پولی و کنترل تورم در طرح دیده شده است. ۳. یکی دیگر از مشکلات اجرای قانون عملیات بانکداری بدون ربا این است که عقود بانکی ما متناسب با نیازها و ظرفیت‌های مورد انتظار نیست و نظام بانکی برای پوشش تمام انتظارات بانکی باید عقد مخصوص به خود را داشته باشد. در چنین شرایطی برای پاسخ به تقاضاهای ریز و درشت مردم تسهیلات در قالب وام خودرو یا تعمیرات مسکن داده می‌شود و فرد به اختیار خودش تصمیم می‌گیرد که این تسهیلات را چگونه هزینه کند؛ از این‌رو، عملاً مردم را به سمت رفتارهای صوری سوق می‌دهیم؛ بنابراین باید روش‌های متنوعی برای پاسخ به تقاضای بانکی مردم طراحی و اجرا کنیم تا مانع از شکل‌گیری رفتارهای صوری و انحرافی شویم و تناقض بین فرم و محتوای اجرای قانون عملیات بانکداری بدون ربا باید برداشته شود.

۴. ما تقسیم‌بندی دستوری بانک‌ها را قبول نداریم. از دیدگاه بانک مرکزی، بانک ملی یک ابربانک است و برای مدیریت آن باید یک مدل بلوغ‌یافته جدید طراحی شود، و گرنه دچار چالش‌های جدی خواهد شد. البته هیچ ایرادی ندارد اگر بانک ملی درون خودش به فعالیت‌های قرض‌الحسنه‌اش یک قالب جدید بدهد که دارای شخصیت حقوقی جدید و مجزا باشد و نهاد جدید، قوی و جوان قرض‌الحسنه در دل خانواده بانک ملی تولد یابد و رشد کند و حتی شعبه و باجه مختص قرض‌الحسنه داشته باشد و سازوکار، دستورالعمل و هیئت مدیره مجزا هم داشته باشد. اما فراموش نکنید که مثلاً بانک ملی باید برای تأمین مالی پروژه‌های کلان اقتصادی و تجاری هم خدمات ارائه کند با رویکرد حفظ تولید و اشتغال‌فعلی. ما نمی‌توانیم برای همه خدمات و تسهیلات بانکی یک شکل عمل کنیم و اختیار توزیع را به مدیر اعتباری بانک بدهیم.

۵. حقیقت این است که عقود مشارکتی در بانکداری اسلامی دچار چالش‌های جدی شده است، چرا که بانک‌ها به جای اینکه واسط و جوه باشند به شرکای تجاری مردم تبدیل شده‌اند، در حالی که بانک‌ها، وکلای سپرده‌گذاران هستند اما در عمل، شرکای تجاری بقیه مشتریان خود شده‌اند. الان تجربه اجرای نزدیک به ۳۰ سال بانکداری اسلامی نشان می‌دهد که مشارکت مدنی در بانکداری اسلامی عقد مناسبی نیست چرا که بانک‌ها توان نظارت بر طرح‌های مشارکتی ندارند و می‌بینیم که نتیجه اجرای طرح‌های مشارکت مدنی به مطالبات معوق بانکی تبدیل شده است چرا که سازوکار شراکت به معنای واقعی شکل نگرفته است؛ در حالی که باید فرد سرمایه‌گذار با فرد دارای ایده اقتصادی با هم مشارکت کنند و بانک زمینه ارتباط این دو نفر را فراهم کند که در این صورت، مشارکت واقعی مردم در طرح‌های اقتصادی رخ می‌دهد و ریسک ناشی از سرمایه‌گذاری‌ها به بانک‌ها برنخواهد گشت.

۶. مباحثی مثل تسهیلات تکلیفی و مطالبات معوق ثمره درختی است که ما در زمین قوانین فعلی کاشته‌ایم؛ اگر می‌خواهید این میوه‌ها دیگر تولید نشود، باید سازوکارهای رشد و زمین‌های کشت را تغییر دهید چرا که اجرای عقود مشارکتی، یعنی مطالبات معوق. اینکه مضاربه را برای تأمین مالی طرح‌های تجاری در نظر بگیریم باید وصله‌های فراوانی بزینم تا طرح جواب دهد. از این‌رو، اصلاح ساختار بانکی ضرورت دارد و بانک فقط

۱. ریشه برنامه تحول در نظام بانکی به کارگروه‌هایی بازمی‌گردد که در اوایل دولت نهم به دستور رئیس‌جمهور ایجاد شد و وزارت اقتصاد آن زمان، در بحث تحول رفتاری، حدود ۱۵ پیش‌نویس آیین‌نامه را به دولت پیشنهاد داد که عمده آنها هم به تصویب رسید، نظیر آیین‌نامه وصول مطالبات معوق، شفافیت جریان وجوه، قرض‌الحسنه‌ها یا فروش دارایی‌های مازاد بانک‌ها، اما در بحث تحول ساختاری نظام بانکی برخی طرح‌ها و پیشنهادهای آماده کردیم تا به کارگروه ارائه شود اما این موضوع با دو رویه متفاوت روبه‌رو شد؛ یک دیدگاه، طرفدار تفکیک بانک‌ها بود و دیدگاه دیگر این بود که در کوتاه‌مدت به جای تبدیل برخی بانک‌ها به قرض‌الحسنه، بانک تازه‌ای به نام قرض‌الحسنه ایجاد شود. به‌واقع، دنبال این بودیم که عملیات بانکی تجاری و قرض‌الحسنه را از هم منفک کنیم و سازوکاری برای فعالیت‌های سرمایه‌گذاری نظام بانکی پیدا کنیم. مسئله دیگر اینکه آنچه از سوی وزارت اقتصاد درباره اصلاح نظام بانکی ارائه شده، هیچ مباینت و مغایرتی با طرح تحول مدنظر بانک مرکزی ندارد و ریشه هر دو طرح یکی است و رابطه عموم و خصوص بین این دو برقرار است؛ از این جهت که طرح وزارت اقتصاد مورد تأیید بانک مرکزی است ولی فقط یکی از محورهای تحول جامع نظام بانکی را پوشش می‌دهد، به گونه‌ای که طرح مدنظر وزارت اقتصاد اصلاح قانون عملیات بانکداری بدون ربا را هدف قرار داده اما طرح بانک مرکزی افزون بر قانون یاد شده، اصلاح قانون پولی و بانکی و قانون بانک مرکزی را مدنظر دارد. مسئله مهم دیگر در ارتباط با قانون بانکداری بدون ربا اینکه از زمان اجرای قانون حدود ۲۸ سال می‌گذرد و دیگر زمان آن رسیده بود که دولت نسبت به بازنگری در این قانون اقدام کند؛ بویژه اینکه ما در دورانی به سر می‌بریم که نظام بانکی از تجربه یک نسل اجرای قانون برخوردار است و به دوره بلوغ و پختگی رسیده، بنابراین اگر آقای دکتر احمدی‌نژاد هم رئیس‌جمهور نبود، باز هم این ضرورت وجود داشت که این اصلاحات صورت پذیرد.

۲. ما در تحول نظام بانکی تکیه‌مان بر مسئولیت‌های ذاتی بانک مرکزی است، به گونه‌ای که اگر مدیران فعلی بانک مرکزی باشند، یا نباشند این طرح به جلو رود، زیرا بر این باورم که از آنجا که این طرح از درون بدنه کارشناسی بانک مرکزی بیرون آمده، استمرار پیدا خواهد کرد. دوم اینکه برای تحول بانکی، ما یک نقشه راه اصلی آماده کرده‌ایم و سعی شده چشم‌اندازی برای آینده داشته باشیم. در همین راستا چشم‌انداز نظام بانکی را با چشم‌انداز ۲۰ ساله نظام منطبق کرده‌ایم و مبنای تحول بانکی را بر اساس قوانین مادر، سیاست‌های کلان نظام و منطبق با سیاست‌های اصل ۴۴ پیوند زده‌ایم؛ ضمن اینکه دیدگاه‌ها و دغدغه‌های رئیس‌جمهور محترم هم لحاظ شده است. از این‌رو، ما باید به قوانین مادر تکیه کنیم و مسئولیت‌های ذاتی بانک مرکزی را در نظر بگیریم و البته به‌نحوی دغدغه‌های دولت را هم مد نظر داشته باشیم و کار را به جلو ببریم. بنابراین نگرانی خاصی برای اجرای طرح به دلیل در نظر گرفتن همه محورها و همه نقطه‌نظرات نداریم. هر بیننده بیرونی هم اگر به محورهای طرح نگاه کند، مشخص است که بانکداری اسلامی، عدالت و رضایت اجتماعی و فضای کسب‌وکار و رقابت، استفاده از ابزارهای جدید در



بانک مرکزی در اجرای برخی وظایفش و استفاده از ابزار مناسب و روش کار باید مختار باشد و آزادی عمل داشته باشد و به اقتضای منافع ملی و برنامه‌های کلان اقتصادی کشور تصمیم‌گیری کند. اما در هیچ جای دنیا بر این باور نیستند که باید بانک مرکزی مستقل از دولت باشد و مسیری متفاوت از مسیر دولت در پیش بگیرد. در قوانین کشور ما هم آمده است که بانک مرکزی در چارچوب سیاست‌های اقتصادی دولت باید فعالیت کند؛ حالا اگر بانک مرکزی تأکید داشته باشد که مستقل عمل کرده و برخلاف سیاست‌های اقتصادی دولت کار کند، دیگر سنگ روی سنگ بند نمی‌شود

باید واسط و جوه باشد و لاغیر و اگر بانک به مشارکت واقعی مردم کمک کند، دیگر تسهیلات تکلیفی بانک‌ها معنا ندارد.

۷. خیلی اعتقادی به این مباحث ندارم که بخواهیم یک‌باره در نظام بانکی انقلابی رخ دهد و کل شبکه بانکی یک‌شبه زیرورو شود، چرا که نظام بانکی دارای خصوصیتی است که باید بسیار آرام، مطمئن و مستحکم در مسیر اصلاح خود گام بردارد و بر اقتصاد تأثیر بگذارد؛ البته ممکن است در پایان یک دوره زمانی چندساله کل نظام و عملیات بانکی کشور دگرگون شود، اما این تغییر جهت نباید ملموس و یک‌باره باشد، به نحوی که همه شوکه شوند. در مسیر تحول بانکی باید آنچنان فرمان را بچرخانیم که هیچ‌کسی آسیب نبیند بلکه در انتهای اجرای طرح آثار واقعی آن ملموس باشد.

۸. به نظر من بانک مرکزی در اجرای برخی وظایفش و استفاده از ابزار مناسب و روش کار باید مختار باشد و آزادی عمل داشته باشد و به اقتضای منافع ملی و برنامه‌های کلان اقتصادی کشور تصمیم‌گیری کند. اما در هیچ جای دنیا بر این باور نیستند که باید بانک مرکزی مستقل از دولت باشد و مسیری متفاوت از مسیر دولت در پیش بگیرد. در قوانین کشور ما هم آمده است که بانک مرکزی در چارچوب سیاست‌های اقتصادی دولت باید فعالیت کند؛ حالا اگر بانک مرکزی تأکید داشته باشد که مستقل عمل کرده و برخلاف سیاست‌های اقتصادی دولت کار کند، دیگر سنگ روی سنگ بند نمی‌شود و نه دولت و نه بانک مرکزی، هیچ‌کدام موفق نخواهند شد؛ از این رو، معتقدم در سیاست‌های کلان اقتصادی باید بین دولت و بانک مرکزی همگرایی وجود داشته باشد و بانک مرکزی باید تابع سیاست‌های کلانی باشند که دولت تعیین می‌کند. البته بدیهی است که بانک مرکزی هم در تدوین این سیاست‌ها باید نقش داشته باشد، در غیر این صورت، بدون همراهی و هماهنگی بانک مرکزی هیچ دولتی نمی‌تواند موفق باشد و چرخ اقتصادی دولت نمی‌چرخد. تلاش ما در بانک مرکزی این است که به‌عنوان موتور محرکه سیاست‌های اقتصادی کشور به پیشرفت و حرکت سیاست‌های کلان اقتصادی کمک کنیم؛ مبادیتی هم بین سیاست‌های اصل ۴۴، برنامه پنجم و برنامه‌های دولت وجود ندارد و بانک مرکزی هم باید در همین مسیر حرکت کند. اما در مواردی بحث بر سر شیوه اجرای سیاست‌ها و برنامه‌هاست، نظیر نحوه مدیریت نقدینگی، بازار بین‌بانکی و ابزارهای پولی... و طبیعی است که بانک مرکزی در این موارد دانش و تجربه بیشتری از سایر نهادها دارد و دلسوزی خاصی هم دارد؛ به همین دلیل، معتقدم باید هماهنگی‌ها و رعایت انسجام در برنامه‌های اقتصادی دولت باشد ولی شیوه اجرا و استفاده از روش‌ها و ابزارهای مدیریت پولی باید بر عهده خود بانک باشد.